

دلالت‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه (نمید نظریه گفتمان بومی)

سید محمدحسین هاشمیان^۱

حمیدپارسانیا^۲

سید مهدی سیدمحسنی باغسنگانی^۳

چکیده

هدف: مسئله این مقاله، استخراج رهنمودها و دلالت‌های نظریه جهان اجتماعی منبعث از حکمت صدرایی در نقد و بازسازی نظریه گفتمان لاکلا و موفه بود. بدین منظور، به بازخوانی و بازسازی تحلیل گفتمان در افق تفکر صدرایی و مبتنی بر نظریه جهان‌های اجتماعی پارسانیا پرداخته شد؛ به نحوی که ویژگی‌های کاربردی آن حفظ شود. ابتدا به تبیین تحلیل گفتمان به طور عام و تشریح دیدگاه‌های لاکلا و موفه به طور خاص پرداخته و در ادامه ضمن تشریح نظریه جهان‌های اجتماعی پارسانیا، دلالت‌های آن در این زمینه استخراج و بر اساس آن به بازسازی تحلیل گفتمان پرداخته شد. **روش:** روش تحقیق در معرفی و گردآوری نظریات، کتابخانه‌ای و اسنادی و در استخراج رهنمودهای جهان اجتماعی، دلالت‌پژوهی بود. **یافته‌ها:** رهنمودهایی که نظریه صدرایی جهان اجتماعی برای بازسازی تحلیل گفتمان در اختیار ما قرار داد و دلالت‌هایی نظیر توضیح چگونگی فرایند اتحاد افراد انسانی با گفتمان، معرفی و ظرفیتهای عالم خیال در تبیین تنوع گفتمانها، تبیین اختیار انسان و نقد نفی سوژگی در تحلیل گفتمان، تبیین لوازم و مناسبات بین معانی، انگاره فطرت و هویت مستقل فرد و تبیین نقش او در تغییر و تحول گفتمانها. **نتیجه‌گیری:** بر اساس این دلالت‌ها ملاحظه شد که از یک سو، تحلیل گفتمان، تجربیات انضمامی خود را در مطالعه نظامهای معنایی اجتماعی در خدمت توسعه نظریه جهان‌های اجتماعی قرار داد و از سوی دیگر، نظریه جهان‌های اجتماعی، اشتباهات معرفتی و نقایص فلسفی نظریه گفتمان را بازسازی کرد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، جهان‌های اجتماعی، لاکلا و موفه، پارسانیا، علوم اجتماعی اسلامی.

◆ دریافت مقاله: 97/12/01؛ تصویب نهایی: 98/03/10.

1. دکتری مدیریت سیاستگذاری، دانشیار گروه مدیریت راهبردی دانشگاه باقرالعلوم(ع).

2. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

3. دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم(نویسنده مسئول)/ نشانی: قم؛ پردیسان، دانشگاه باقرالعلوم/ نمابر: 5132280402 /

Email: 1smsmb@gmail.com

الف) مقدمه

اصطلاح «گفتمان» در چند دهه اخیر اصطلاحی رایج و پر استفاده در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی شده است و «تحلیل گفتمان» چه به مثابه روش و چه به عنوان نظریه مورد توجه پژوهشگران متعددی قرار گرفته است. این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که تحلیل گفتمان به دلیل ویژگی‌های خاص خود به طور روزافزون مورد توجه و استفاده شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی قرار می‌گیرد و در مطالعات بومی اسلامی نیز، کثرت استفاده از تحلیل گفتمان قابل ملاحظه است. اما با دقت در مبانی و ریشه‌های بنیادین تحلیل گفتمان ملاحظه می‌شود با وجود ظرفیتهای متعدد تحلیل گفتمان، برخی ویژگی‌های خاص این دیدگاه مانند برساخت دانستن معرفت و نفی سوژگی و... به راحتی در مطالعات دینی و بومی تسری داده می‌شود و این گونه استفاده از تحلیل گفتمان موجب شده تا مطالعات اسلامی ناخودآگاه در دام پیش فرضهای فلسفی تحلیل گفتمان گرفتار شوند. از سوی دیگر، ملاحظه می‌شود که با وجود گفتگوهای بسیار در خصوص ضرورت تولید دانش اجتماعی بومی اسلامی، بیشتر این مباحث در سطح فلسفی و در حد کلیات متوقف شده و کمتر در وجه انضمامی و کاربردی بروز و ظهور داشته است. این مقاله تلاشی ابتدایی در جهت کاربردی کردن نظریه جهان‌های اجتماعی با استفاده از تجربیات انضمامی تحلیل گفتمان محسوب می‌شود که طرح کلی آن در این مقاله اشاره شده و باید توسط گامهای بعدی تکمیل شود.

ب) بیان مسئله

مسئله این مقاله استخراج رهنمودها و دلالت‌هایی از دل حکمت صدرایی است که با تکیه بر آنها بتوان نظریه گفتمان را بازسازی کرد. تلاش می‌شود با حفظ ویژگی‌های کاربردی تحلیل گفتمان، این دیدگاه در تفکر صدرایی بازخوانی و بازسازی شود. بدین منظور، نیاز است از بین نظریات و دیدگاه‌های منبعث از حکمت صدرایی، از نظریاتی استفاده شود که شباهتها و نقاط اشتراک بیشتر و توان گفتگوی متقابل با تحلیل گفتمان را داشته باشند. نظریه جهان‌های اجتماعی پارسانیا بدین سبب انتخاب شد که در کنار تکیه بر مبانی صدرایی و مسیر استدلالی قدرتمند، گامی در جهت مواجهه و گفتگو با مدعیات دانش اجتماعی غربی محسوب می‌شود.

در این مقاله ابتدا به تبیین تحلیل گفتمان به طور عام و تشریح دیدگاه‌های لاکلا و موفه به طور خاص می‌پردازیم و ضمن تشریح نظریه جهان‌های اجتماعی پارسانیا، دلالت‌های آن را در این زمینه استخراج و بر اساس آن، به بازسازی تحلیل گفتمان خواهیم پرداخت.

در خصوص بازسازی و نقد گفتمان لاکلا و موفه تلاشهایی صورت گرفته که به اختصار به آنها اشاره می‌شود. مقاله «بازسازی نظریه گفتمانی هویت لاکلا و موفه بر اساس نظریه فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی» از

دلالات‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه 689

این نظر قابل توجه است که تلاشی برای تهذیب بخشی از نظریه گفتمان، مبتنی بر مبانی اسلامی و بومی است. اما تمرکز نویسنده در این مقاله بیشتر بر موضوع هویت است و کمتر متعرض خود مفهوم گفتمان و اصلاح این روش مبتنی بر نتایج می‌شود (پرهیزکار، 1397: 53). مقدمی در «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن» ضمن معرفی نظریه، سعی می‌کند تا در دو محور نسبیّت شناخت و وجود نامستقل و ارتباطی، نظریه گفتمان لاکلا را نقد کند. در این مقاله هم ضمن بیان انتقادات، تلاشی به منظور بازسازی نظریه دیده نمی‌شود (مقدمی، 1390: 115). اخوان کاظمی در «نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلا و کاربرد آن در سیاست» پس از معرفی نظریه و چندین مثال از کاربردهای آن در سیاست داخلی؛ در محور نقد و بررسی، علاوه بر برشمردن برخی اشکالات فنی و داخلی، مبانی سکولار و اندیشه جبرگرایی را نقد می‌کند. اما در قسمت ایجابی، تلاشی برای بازسازی نظریه در این مقاله ملاحظه نمی‌شود. (اخوان کاظمی، 1391: 19)

ج) روش پژوهش

روش ما در معرفی و گردآوری نظریات، کتابخانه‌ای و اسنادی و در استخراج رهنمودهای جهان اجتماعی، دلالت‌پژوهی خواهد بود. عمل استخراج و قرض گرفتن رهنمودها از یک فلسفه یا نظریه یا چارچوب خاص در یک رشته دیگر را دلالت‌پژوهی می‌نامند (رک: دانایی‌فرد، 1395: 49). در توضیح دلالت‌پژوهی باید اشاره کرد که یکی از راهبردهای بسیار متداول اقتباس و عاریه‌دانش یک رشته برای تدقیق، بهبود، یا بسط دانش رشته دیگر، در قالب دلالت‌های دانش اول برای دانش دوم است. این دلالت‌ها در مراحل نخست دانش‌پژوهی بین رشته‌ای گاه خام بوده و صرفاً توصیفی - تحلیلی خواهند بود. اما با تدقیق و بسط آنها پژوهش‌های تجربی - میدانی منجر به دانش محلی خاص هر رشته خواهد شد. (همان: 46)

برای اجرای روش دلالت‌پژوهی مراحل پیشنهاد شده است که به اختصار عبارتند از: تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت‌پژوهی؛ تعیین مأخذ احصای دلالت‌ها برای پرداختن به مسئله پژوهشی؛ تعیین فرایندی برای واکاوی ابژه منتخب؛ تعیین چارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی؛ نمونه‌گیری نظری ابژه دلالت‌پژوهی؛ احصای سهم‌یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی؛ اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی؛ متناسب‌سازی سهم‌یاری‌ها با چارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی؛ احصای دلالت‌های مد نظر؛ اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی؛ تدوین گزارش پژوهشی. (همان: 51)

در این مقاله با استفاده از رویکرد برایشی در دلالت‌پژوهی و با عنایت به اینکه در مراحل نخست این مطالعات هستیم، نتایج آن صرفاً تحلیلی و توصیفی خواهد بود. در مراحل بعد و با بسط تجربی این دلالت‌ها و بررسی سایر نظریات گفتمان، منجر به توسعه دانش بومی خواهد شد.

د) چارچوب نظری

1. معرفی تحلیل گفتمان

کاربردهای گوناگون اصطلاح «گفتمان» در رشته‌های مختلف علوم، بیانگر وسعت نفوذ و استفاده از آن در سپهر علمی و دانشگاهی امروز است. از یک سو، این اصطلاح رنگ و بوی فلسفی به خود گرفته و از سوی دیگر، در علوم سیاسی و مدیریت، روشی پرکاربرد است و رشته‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی هم به عنوان موطن اصلی، در توسعه و ترویج آن نقش بسزایی داشتند. با این حال، این تنوع کاربرد باعث شده تا برخی متفکران، ارائه تعریف واحد از آن را غیر ممکن بدانند (بورگسن، 1389: 16). در حقیقت؛ این حجم از گسترش کاربردهای گفتمان را در دهه‌های انتهایی قرن بیستم، باید ناشی از تحولاتی نظیر چرخش زبانی، تبیین دیدگاه‌های تازه در فلسفه علم، انتقاد به سیطره رویکردهای اثبات‌گرایانه در علوم اجتماعی و در نتیجه، رواج رویکردهای انتقادی و تفسیری دانست.

کلمه *discourse* که سابقه تاریخی آن به قرن 14 میلادی می‌رسد، از واژه فرانسوی *dis-koor* و لاتین *discurs-us* به معنی گفتگو، محاوره و گفتار و از واژه *discursum/discuren* به معنی طفره رفتن و از سر باز کردن و تعلل ورزیدن گرفته شده است (مک‌دانال، 1380: 10) از دیدگاه لغوی هم دو معنای «بحث یا رفتار طولانی مدت و جدی درباره یک موضوع در گفتار یا نوشتار» و «استفاده از زبان در گفتار و نوشتن به منظور تولید معنا» مورد توجه قرار گرفته است. (هورن‌بی، 2010: 432)

همان‌طور که اشاره شد، برای فهم معنای این اصطلاح، بررسی لغوی و تاریخی به تنهایی کافی نیست. میلز به خوبی اشاره می‌کند که معنای اولیه این کلمه به دنبال تحولات فکری و فرهنگی دهه 1960 به تدریج تغییر کرد و در سه حوزه معنایی: فلسفی، نظری و استفاده عام، معانی آن اندک‌اندک از هم متمایز شدند (میلز، 1393: 7). در دوره معاصر برای اولین بار سال 1952، زلیگ هریس، استاد زبان‌شناسی در مکتب ساختگرایی، با پیشنهاد بررسی واحدهایی بزرگ‌تر از جمله برای مطالعات زبان‌شناسی، اصطلاح تحلیل گفتمان را وارد تحقیقات دانشگاهی کرد. (سلطانی، 1384: 28)

یورگنسن در تعریفی مقدماتی، گفتمان را شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) معرفی می‌کند (بورگسن، 1389: 18). فوکو نیز به عنوان یکی از متفکران صاحب‌نام در حوزه تحلیل گفتمان، تعاریف گوناگونی را بیان می‌کند: «من فکر می‌کنم که جای فروکاستن گام به گام معنای کاملاً متلون واژه گفتمان، به معنای آن افزوده‌ام؛ آن را گاهی حیطه کلی همه گزاره‌ها یا احکام تلقی کرده‌ام، گاهی به عنوان مجموعه قابل تمایزی از احکام و گاهی به مثابه روئے ضابطه‌مندی که شماری از احکام را توضیح می‌دهد». (نقل از: میلز، 1393: 12)

دلالات‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه ♦ 691

گسترده‌گی استفاده از این اصطلاح از یک سو و تعاریف و تأملات اندیشمندان رشته‌های مختلف از سوی دیگر، منجر شد تا پژوهشگران حوزه گفتمان، برای فهم بهتر حوزه‌های مفهومی، ناچار از ارائه تقسیم‌بندی‌هایی از این تعاریف در انواع مختلف شوند. برای مثال، تنها در حوزه زبان‌شناسی، سیر تحول تحلیل گفتمان را در سه دسته تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، نقش‌گرا و انتقادی تبیین کرده‌اند. (سلطانی، 1383)

تحقیقی دیگر، تعاریف گفتمان را به دو دسته تقسیم می‌کند: متن‌محور، که گفتمان را نوعی متن می‌داند و اندیشه‌محور و نظری، که گفتمان را به مثابه یک نظام معنایی می‌داند. تعریف هریس از نوع اول و تعاریف فوکو و یورگنسن و فیلیس در زمره نوع دوم محسوب می‌شود (فجری، 1392: 42). این تقسیم‌بندی تا حدود زیادی در نزدیک شدن به اهداف مقاله حاضر کمک می‌کند؛ زیرا اگر گفتمان را نوعی نظام معنایی و نه صرفاً یک متن بدانیم، می‌توان از قابلیت‌های آن در ابعاد مختلف استفاده کرد.

میلز مجموع نظریات گفتمان را در سه شاخه تقسیم می‌کند: اول، نظریه‌پردازانی که گفتمان را قلمرو عام تولید و گردش اظهارات قاعده‌مند می‌دانند؛ از جمله: فوکو، باختین، بارت و بنه‌ویست. دوم، شاخه اصلی زبان‌شناسی که گفتمان نشانه چرخش از جمله به یک نظام بالاتر از آن است و مطالعه زبان را در حالت استفاده واقعی و با واحدی بزرگ‌تر و طول بیشتری نسبت به جمله نشان می‌دهد و سوم، در حوزه زبان‌شناسی انتقادی و روان‌شناسی اجتماعی، ترکیب زبان‌شناسی شاخه اصلی و نظریه انتقادی را مورد توجه قرار می‌دهند و نظریه‌پردازانی نظیر فرکلان در اینجا قرار می‌گیرند (میلز، 1393: 14، 159). در تقسیم‌بندی‌ای دیگر، دیدگاه‌های متنوع گفتمان در سه حوزه زبان‌شناسی، فلسفه و جامعه‌شناسی، تقسیم و مقایسه شده‌اند. (کلتری، 1391: 9-12)

همین مرور مختصر هم نشان می‌دهد که تنوع تعاریف و دیدگاه‌ها و استفاده‌های مختلف از اصطلاح گفتمان، امکان ارائه تعریف مشترک واحد را غیر ممکن کرده است. در این باره، یورگنسن به عنوان جمع‌بندی بیان می‌کند که: «تحلیل گفتمان نه یک رویکرد واحد، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آنها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد. در ضمن، هیچ اجماع روشنی درباره چستی گفتمانها و نحوه عملکرد و تحلیل آنها وجود ندارد» (یورگنسن، 1389: 17). این تنوع و اختلاف نظر اگر چه مطالعه این حوزه را دشوار می‌کند، اما از سویی، فرصتی را فراهم می‌کند که با ارائه تلقی جدید و متفاوت و با حفظ مبانی، از ظرفیتهای این روش به خوبی استفاده کرد. بر این اساس، در مقاله حاضر به تعریف و رویکرد لاکلا و موفه که از رواج و استفاده و مقبولیت بیشتری در تحقیقات دانشگاهی برخوردار است، بسنده می‌شود. لذا نقد و بررسی سایر گونه‌های تحلیل گفتمان، از موضوع مقاله خارج است.

2. نظریه گفتمان لاکلا و موفه

ارنستو لاکلا و شانتال موفه با ترکیب سنتهای نظری متفاوت تلاش کردند تا نظریه‌ای کاربردی درباره نقش گفتمان در علوم اجتماعی ارائه کنند. دیرینه‌شناسی فوکو، هژمونی گرامشی، ایدئولوژی آلتوسر و... تنها بخشی از این نظریات‌اند (کلاتری، 1391: 134). در دیدگاه ایشان، گفتمان کلیتی است که در نتیجه کردار مفصل‌بندی حاصل می‌شود (لاکلا، 1393: 171). در واقع؛ لاکلا و موفه تلاش می‌کنند تا مفهوم گفتمان، جایگزین مفاهیم ایدئولوژی در مارکسیسم و زبان در نظریه‌های پسامدرن شود؛ زیرا تمام قلمرو اجتماعی، گفتمانی تلقی می‌شود و تمایز روبنا و زیربنا فرو می‌ریزد. (کسرای، 1388: 342)

گفتمان در نظریه لاکلا و موفه این ایده را پررنگ می‌کند که کنشها و کلمات معنادارند و معنای آنها به وسیله نظم خاصی از تفاوت‌های معنادار اعطا می‌شود. این ایده لاکلا و موفه را با یک مثال می‌توان تبیین کرد. «پدیده‌ای مانند زلزله، بی‌تردید وجود دارد؛ به این معنا که در اینجا و اکنون رخ می‌دهد؛ مستقل از اراده من. اما اینکه آیا ویژگی این رخدادها به منزله ابژه‌های مشخص بر اساس پدیده‌هایی طبیعی یا جلوه‌هایی از قهر خداوندی یا... سامان می‌گیرد یا خیر، وابسته به شکل‌گیری حوزه‌های گفتمانی است» (لاکلا، 1393: 176)؛ یعنی معنای وجود زلزله، به نظام خاص تفاوت یا گفتمان بستگی دارد که سازنده هویت زلزله‌اند.

هدف نظریه گفتمان، فهم امر اجتماعی به مثابه برساختی اجتماعی است که از ترکیب سنت نظری ساختارگرایی و مارکسیسم ایجاد می‌شود. در نتیجه، کل حوزه اجتماع، شبکه‌ای از فرایندهاست که معنا درون آن خلق می‌شود. (بورگسن، 1389: 54)


3. مفاهیم اساسی نظریه گفتمان لاکلا و موفه

ویژگی نظریه گفتمان لاکلا و موفه، برخورداری از مفاهیم متعدد و در عین حال پیچیده است. در این جا به طور اختصار به برخی مفاهیم کلیدی اشاره و و از ذکر مفاهیم جانبی پرهیز می‌شود:

دال و مدلول: چیزهایی مانند اشخاص، نمادها، کلمه‌ها، مفاهیم و... که در داخل گفتمانی خاص و بر معنایی خاص دلالت می‌کنند، دال نامیده شده و معنایی که دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول خواهد بود. (لاکلا، 1393: 21)

مفصل‌بندی: عمل کنار هم قرار دادن موضوعاتی که در حالت طبیعی کنار هم قرار نگرفته بودند. مفصل‌بندی عبارت است از هر عملی که میان عناصر مختلف رابطه‌ای ایجاد می‌کند که بر اساس این عمل، هویت آنها تغییر می‌کند. (همان، 171)

دال مرکزی: دالی است که سایر دالها در اطراف آن جمع می‌شوند و انسجام‌بخش همه دالها خواهد بود. در واقع؛ ظهور گفتمان به معنایی گره خورده است که اطراف این دال مرکزی تثبیت می‌شود. (همان: 183)

693 **دلالات‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه** 

گفتمان: کلیتی را که در نتیجه کردار مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان می‌نامیم. (همان: 171)

حوزه گفتمان‌گویی: مخزنی برای نگهداری معنای آزاد تولیدشده به وسیله عمل مفصل‌بندی

است. (همان: 185)

لاکلا و موفه از مفاهیم دیگری نیز بهره می‌برند که به اختصار به آنها اشاره می‌شود: رابطه دال و مدلول کاملاً اختیاری است. «برهه» و «عنصر» دالهایی محسوب می‌شوند که اگر در یک گفتمان تثبیت شوند، برهه و اگر هنوز داخل گفتمانی تثبیت نشوند، عنصر نامیده می‌شوند. وقتی یک عنصر از حالت شناور خارج و به وقت یا لحظه تبدیل می‌شود، «انسداد یا توقف» رخ می‌دهد که همان تثبیت معنای نشانه است. گفتمانها اساساً در «ضدیت» و «تفاوت» با یکدیگر شکل می‌گیرند و هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمانهای دیگر امکان‌پذیر است. گفتمانها از طریق «زنجیره هم‌ارزی» تفاوت‌های عناصر را از بین برده، وحدت و انسجام بین آنها ایجاد می‌کنند. مفهوم «هژمونی» این گونه در این دیدگاه وزن جدی پیدا می‌کند که اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال بپذیرند، ولو موقت، آن دال هژمونیک می‌شود و به طور موقت از طریق هژمونیک کردن این رابطه در یک گفتمان منسجم، نظام‌مند می‌شود. برای توصیف رقابت بین گفتمانها بر سر مفصل‌بندی و جذب «دالهای شناور» از اصطلاحاتی نظیر «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» استفاده می‌کند. (همان: 171-185)

در نگاه لاکلا و موفه، پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچگاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و به همین دلیل، کشمکش همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت به وجود می‌آید. وظیفه تحلیلگر گفتمان، نشان دادن جریان این کشمکشها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی است. (بورگسن، 1389: 54)

با این ویژگی‌ها، نظریه لاکلا و موفه با استقبال خوبی در جامعه علمی و دانشگاهی روبه‌رو شد. اینکه نظریه‌ای که ریشه در زبان‌شناسی دارد به عرصه فرهنگ و اجتماع و سیاست وارد شده است، به عنوان یک موفقیت در نظریه گفتمان لاکلا و موفه، تحسین شده است (حسینی‌زاده: 1383: 194). همچنین، نظریه گفتمان را بر اساس زنجیره به هم پیوسته از مفاهیم جدید، ابزاری کارآمد برای شناخت و تبیین پدیده‌های سیاسی توصیف کرده‌اند؛ به طوری که از نظریه لاکلا و موفه به عنوان کاربردی‌ترین نظریات در حوزه گفتمان یاد می‌شود. (کسرای، 1388: 39)

4. مبانی نظریه گفتمان لاکلا

بورگسن در توضیح مفروضات کلیدی نظریه گفتمان، ضمن تأکید ابتدای همه رویکردهای گفتمان بر بر ساختگرایی اجتماعی، چهار پیش‌فرض مشترک ذیل را در همه این رویکردها تبیین می‌کند:

694 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 81

یک) انتقاد به دانش رایج به عنوان امر بدیهی

دانش ما به دنیای پیرامون را نباید حقیقتی عینی تلقی کرد. دانش بازتاب واقعیتها نیست، بلکه صرفاً نتیجه مقوله‌بندی توسط خود ماست. در حقیقت؛ دانش، امری گفتمانی است.

دو) تاریخی و فرهنگی بودن انسان

انسانها اساساً موجوداتی فرهنگی و تاریخی‌اند. شناخت ما از جهان، محصول تعاملات تاریخ‌مند بین انسانهاست. در نتیجه، درک ما از جهان، امری تصادفی و احتمالی است. این دیدگاه کاملاً در تقابل با دیدگاههای پوزیتیویستی و در ضدیت با ذات‌گرایی است.

سه) پیوند بین دانش و فرایندهای اجتماعی

فرایندهای اجتماعی روشهای فهم جهان را خلق و حفظ می‌کنند. هیچ حقیقت یکتا و پایداری وجود ندارد. همه چیز گفتمانی است و معرفت و دانش هم محصول تعاملات اجتماعی‌اند.

چهار) پیوند بین دانش و کش

شناختهای اجتماعی متفاوت از جهان، به کنشهای اجتماعی مختلف منجر می‌شود. در واقع؛ طبیعی یا غیر قابل تصور بودن انواع کنشها، نتیجه جهان‌بینی خاصی است که وجود دارد. (بورگسن، 1389: 24)

5. نظریه جهان‌های اجتماعی پارسانیا

اگر چه مفهوم جهان اجتماعی¹ بیشتر در جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی متداول است و با مفاهیمی نظیر زیست‌جهان و جهان زندگی قرابت معنایی دارد (پارسانیا و سلطانی، 1390)؛ اما انتخاب این نظریه پارسانیا، بدان سبب است که تقریر ایشان از جهان اجتماعی، در عین تحفظ بر مبانی حکمت اسلامی، قابلیت‌هایی را برای مطالعه موضوعات اجتماعی فراهم می‌کند.

در این دیدگاه، جهان اجتماعی وقتی شکل می‌گیرد که نظامی معنایی توسط اراده افراد، تحقق اجتماعی پیدا می‌یابد و در فرایندی تاریخی، الزامات اجتماعی خود را محقق می‌کند. جهان اجتماعی ماهیتاً برساخته انسانی است و طی فرایندی شکل می‌گیرد که توسط حکمت صدرایی تبیین می‌شود.

این نظریه، تکیه بر مبانی‌ای نظیر حرکت جوهری، جسمانیت الحدوث و روحانیه البقا بودن انسان، اتحاد علم و عالم و معلوم، اتحاد عقل و عاقل و معقول، نوع متوسط بودن انسان و ... دارد. پارسانیا در تبیین و استدلال بر وجود چنین پدیده‌ای این‌گونه بیان می‌کند که: «صدرالمتألهین انسان را نوع متوسط می‌داند. از نظر او، انسان اولاً؛ با علم و عمل خود متحد می‌شود؛ یعنی علم و عمل از عوارض زائد و منضم به ذات

1. Social World

695 **◆ دلالت‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه**

انسان نیستند، بلکه در تکوین هویت و حقیقت او دخیل هستند و ثانیاً: دامنه آگاهی و عمل انسان بر خلاف حیوانات، به دلیل وسعت معرفت و اراده او، بسیار گسترده و متنوع است... هر یک از صور معرفت، ملازمات و پیامدها و مبانی خاص خود را دارد و این صور اگر به وساطت اراده و آگاهی انسان به عرصه حیات اجتماعی وارد شوند، لوازم وجودی خود را نیز در قالب یک ساختار و نظام اجتماعی به دنبال می‌آورند». (پارسایا، 1391: 145)

در واقع؛ انسان در مسیر حرکت وجودی خود، وارد عرصه آگاهی می‌شود و در آنجا با صور علمی که حقایق مجرد و غیر مادی‌اند، اتحاد وجودی و نه مفهومی یا ماهوی پیدا می‌کند و این اتحاد با صور مجرد علمی چون نفس، در عین وحدت دارای مراتب است و رفتار انسان را سامان می‌دهد.

انسان، صورت علمی را از مسیر وجودی خود به افق رفتار و از آنجا به عرصه کنشهای روزانه وارد می‌کند. این معانی که انسان در حرکت جوهری با آنها متحد می‌شود، چون به لحاظ وجودی و انتولوژی یک مجرد و غیر مادی‌اند، با فراگیری آنها اولاً، بر دامنه تجرد و کمال خود می‌افزاید و ثانیاً، با وجود کثرتی که در جهان مادی و فردی دارد، به دلیل اتحاد با یک وجود مجرد، با یکدیگر وحدت و اتحادی پیدا می‌کنند که منافی کثرت و تعدد آنها نیست. (همان: 184)

این دیدگاه با وجود پذیرش تنوع صور جامعه و وجود جهان‌های اجتماعی متفاوت، به قیاس‌ناپذیری و تباین این جهان‌ها منجر نمی‌شود که در ادامه توضیح داده می‌شود. اگرچه همه انسانها به واسطه حرکت جوهری، صورتهای مختلفی را دارا می‌شوند، اما بسته به زاویه‌ای که در سپهر معنای توحیدی ایجاد می‌کنند، اعوجاجهایی در شناخت خود رقم می‌زنند که محل آن در خیال متصل ایشان است. وقتی تعدادی از افراد در اتحاد وجودی، در خیال متصل با هم هم‌افق می‌شوند، دیگر هستی را از دریچه مشترکی می‌بینند و جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر؛ نفس انسانی به دلیل لطافتی که دارد، به هر چه روی آورد، به صورت آن درآید. لذا هر وقت انسان نیت کسی کرده باشد، به حکم اتحاد علم و عالم و معلوم، «من» این شخص که هویت اوست، با «من» دیگری متحد می‌شود. (حسن‌زاده آملی، 1375: 123)

6. ویژگی‌های جهان اجتماعی

یک) اعتباری بودن

جهان‌های اجتماعی از آنجا که از مسیر اراده انسان عبور می‌کنند، ماهیتی اعتباری دارند. در واقع؛ نظم و ساختار این جهان‌ها، طبیعی و تکوینی نیست و محصول اراده و آگاهی انسان است. اعتباریات در اینجا در رابطه میان انسان و حرکات فعلی و آن چیزی است که انسان با اعمال قوای فعاله خود تهیه می‌کند و از این رو، این علوم و ادراکات، مطابق خارج از توهم ما ندارند (طباطبائی، 1389: 455). در نتیجه، با قرارداد، پذیرش، قبول و اعتبار انسانها موجود می‌شوند: «صور علمی از طریق انسان، از سپهر وجودی خود نازل می‌شوند. این

696 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 81

صور در پرتو حضور خود، نظم و ساختاری را در بین افراد و اشخاصی برقرار می‌سازند که از طریق آنها، به عرصه حیات اجتماعی وارد شده‌اند. این ساختار و نظم به دلیل اینکه از مسیر آگاهی و اراده انسانها تحقق پیدا می‌کند، صورتی ارادی، قراردادی و اعتباری دارد. (پارسانا، 1391: 123)

این جهان از یک حیث شبیه بازی‌های گروهی است؛ زیرا هویت هر فرد در یک بازی گروهی توسط بازیکنان تعریف می‌شود و باید مورد قبول واقع شود. البته خود بازی گروهی، در حقیقت بخشی از جهان اجتماعی است: «کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، معلمان و همچنین نهادهای خرد و کلان اجتماعی، نظیر خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد و سیاست، اعضای خرد و کلان جهان اجتماعی هستند. انسانها با پذیرش نقش و قبول عضویت، به جهان اجتماعی وارد می‌شوند و از حقوق و تکالیفی که درباره هر عضو، معین است، برخوردار شده و استفاده می‌کنند. هر یک از ما نیز در جهان اجتماعی، موقعیت خاصی را اشغال کرده و نقش عضو مربوط به همان موقعیت را به عهده می‌گیریم و به تناسب موقعیتی که داریم، از مزایا و حقوقی برخوردار می‌شویم.» (همان: 124)

دو) لایه‌لایه بودن

ویژگی مهم دیگر این جهان، برخورداری از لایه‌های متعدد است. این لایه‌ها، متناسب با سطوح مختلف پدیده‌های اجتماعی است؛ یعنی جهان اجتماعی در هر کدام از سطوح نماد، هنجار، ارزش و باور، دارای نظامی لایه‌لایه و سلسله‌مراتبی است. مناسبات این لایه‌ها قابل مقایسه با اجزای بدن موجودات زنده است: «پدیده‌های اجتماعی در روابط و مناسبات معنایی خود، شبیه اجزا و اعضای موجودات زنده و اندام‌وار رفتار می‌کنند. اعضای متکثر و مختلف موجودات زنده، هر یک وظیفه خاص خود را انجام می‌دهند و کارکردی مختص به خود دارند. کارکرد، مفهومی است که نظر به علت و سبب غایی تحقق هر عضو دارد. هر عضو به دلیل هدفی که دنبال می‌کند، به وجود می‌آید. هدف مشترک اعضا و بخشهای مختلف موجود زنده، تداوم حیات و زندگی آن است. با آنکه اعضای مختلف موجود زنده در خدمت هدفی واحد عمل می‌کنند، نقش آنها در تأمین آن هدف یکسان نیست. وجود برخی از آنها برای تداوم موجود زنده لازم و حیاتی است و وجود برخی دیگر مفید و مناسب است. برای مثال، قلب و مغز دو عضو حیاتی موجود زنده‌اند و چشم و گوش و دست و دیگر اعضا با آنکه مورد نیازند، به اهمیت آن دو عضو نیستند.» (همان: 138)

سه) سلسله‌مراتبی بودن

از اینجا ویژگی مهم دیگر جهان اجتماعی آشکار می‌شود که همان وجود سلسله‌مراتب میان لایه‌های مختلف جهان اجتماعی است. اجزای به هم پیوسته جهان اجتماعی نیز در تأمین حیات و زندگی اجتماعی نقش یکسان و مشابه ندارند. برخی از آنها نقش حیاتی دارند، به گونه‌ای که حذف یا تغییر آنها به حذف یا

دلالاتهای نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه 697

تغییر نظام اجتماعی منجر می‌شود و بعضی دیگر نقشی کم‌اهمیت دارند. برای برخی از اجزا، بدیل و جایگزین می‌توان در نظر گرفت و بعضی دیگر جایگزینی نمی‌توانند داشته باشند. (همان: 138)

در واقع؛ در تناسب با هدف و غایت جهان اجتماعی و نقشی که هر لایه در تحقق آن به عهده دارد، اهمیت و جایگاه این لایه‌های متفاوت است.

پدیده‌هایی که نقش حیاتی برای زندگی اجتماعی داشته باشند، در لایه‌ها و سطوح بنیادین اجتماعی قرار می‌گیرند و پدیده‌هایی که نقش مقطعی یا غیر حیاتی دارند، در لایه‌ها و سطوح غیر بنیادین واقع می‌شوند. (همان)

در خصوص لایه‌هایی که نقش غیر بنیادین و سطحی در جهان اجتماعی دارند، دو ویژگی قابل ملاحظه است. از یک سو تأثیرات محدودتری دارند و از سوی دیگر، تغییرپذیرترند. حتی برخی از این پدیده‌ها عمر مقطعی دارند و در زمانی خاص به وجود آمده و در زمانی دیگر به سهولت جایگزین پیدا می‌کنند. این خاصیت به طور ویژه در مقایسه با مفهوم گفتمان لاکلا و موفه، کارآمد خواهد بود. اما لایه‌هایی نیز وجود دارند که خصلت بنیادین و تغییرناپذیر دارند: «در لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی، اجزا و پدیده‌هایی قرار دارند که تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر نسبت به دیگر اجزا دارند و هویت جهان اجتماعی با این دسته از پدیده‌ها پیوند می‌خورد. باور و اعتقادی که انسان نسبت به اصل جهان و جایگاه خود دارد، مسیر و روشی که آدمی در تحصیل علم و معرفت دنبال می‌کند، از عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی است. این لایه؛ هویت، هنجارها، ارزشها، رفتارها، نمادها و دیگر پدیده‌های اجتماعی را نیز رقم می‌زند». (همان: 139)

هـ) یافته‌های تحقیق

1. دلالت‌های نظریه جهان اجتماعی

در دو قسمت پیش ملاحظه شد که در عین وجود تفاوت‌های مبنایی، مشابهت‌هایی نیز بین نظریه جهان اجتماعی و نظریه گفتمان وجود دارد. مشابهت‌هایی در بر ساخته دانستن هر دو مورد، نقش اراده و اعتبار انسانی در ایجاد و تغییر آن، وجود اجزای مختلف و وجود یک نظام سلسله‌مراتبی بین این اجزا و... از این شماره‌اند. در واقع؛ در هر دو نظریه، صحبت از وجود یک نظام معنایی مشترک بین جمعی از انسانهاست که بر اساس آن روابط اجتماعی را فهم کرده و مناسبات را شکل می‌دهند. این مشابهت‌ها زمینه‌ای را ایجاد می‌کنند تا بین این دو نظریه گفتگویی صورت بگیرد. در این قسمت تلاش می‌شود تا دلالت‌های نظریه جهان اجتماعی پارسانیا برای نظریه گفتمان، استخراج و به اختصار اشاره شود. سپس نظریه گفتمان را بر اساس این دلالت‌ها بازسازی می‌کنیم.

مقایسه برخی اشتراکات نظریه گفتمان لاکلا و موفه و نظریه جهان اجتماعی پارسانیا		
محور مقایسه	گفتمان در نظریه لاکلا و موفه	جهان اجتماعی در نظریه پارسانیا
ماهیت	برساخت اجتماعی	محصول اعتبار گروهی از انسانها
نوع تعامل با فرد	انسان تأثیرپذیر از گفتمان	وجود و عدم در گرو اعتبار انسان
رابطه اجزا	یک دال مرکزی و دالهای پیرامونی	لایه لایه حول یک لایه محوری
قابلیت تغییر و تحول	سیال و محل منازعات سیاسی	متغیر و تأثیرپذیر از اراده انسانها

2. توضیح چگونگی اتحاد افراد انسانی با معانی

نظریه جهان اجتماعی با تکیه بر میانی صدرایی خود این ظرفیت را دارد که به خوبی رابطه افراد انسانی را با جهان اجتماعی در قالب مفهوم اتحاد توضیح دهد. نظریه اتحاد سابقه‌ای طولانی دارد و ظاهراً در یونان قدیم نیز توسط فورفورئوس مطرح شده بود؛ اما کسانی همچون ابن سینا آن را نپذیرفتند و استدلال کردند که لازمه متحد شدن عالم با معلوم - مثلاً در یا پنجره - این است که انسان پنجره یا در شود؛ که این محال است.¹ صدرالمآلهین با اثبات اصالت و تشکیک وجود و حرکت جوهری، توانست تصویر صحیحی از این نظریه ارائه دهد که گرفتار این اشکالات نباشد. در این تصویر، اتحاد عالم با معلوم به معنای متحد شدن بعد مجرد وجود عالم، با مراتب مجرد وجود معلوم است.

در این نگاه، نفس که در ابتدا ناقص بود، در اثر حضور صورت‌ای علمی به فعلیت و کمال می‌رسد و هر صورتی که با آن متحد می‌شود، «آن» می‌شود؛ نه اینکه نفس دارای آن صورت یا معلوم شود. مانند نطفه که انسان می‌شود نه اینکه نطفه دارای انسان باشد. منظور این است که نطفه در اثر حرکت جوهری و به واسطه صورت انسانی کمال می‌یابد و به انسانیت متحول می‌شود.

پس این گونه نیست که نسبت صورتهای ادراکی به نفس مانند نسبت عرض به موضوع باشد که هر دو وجودی فی‌نفسه داشته باشند (نظر فیلسوفان مکتب مشاء همین است)؛ بلکه نسبت صورت به ماده و خروج نفس از قوه به فعلیت، همان حصول صورتهای ادراکی برای آن است و معنای اینکه عاقل یا مدرک با معقول یا مدرک متحد می‌شود این است که وجود ناقص به کامل تحول یافته است. (صدرالدین شیرازی، 1360: 243، 1410، ج 2: 321-319)

در واقع؛ در دیدگاه صدرایی علم و عمل عارض بر ذات انسان نیستند و در محل خود مستلاً توضیح داده می‌شود که انسان با علم خود متحد شده و این علم و عمل در تکوین حقیقت و هویت انسان مؤثرند. در نتیجه، رابطه انسان با این صورتهای معنایی این گونه توضیح داده می‌شود: «اتحاد عالم، علم و معلوم، حکایت از این می‌کند که انسان در مسیر حرکت نفسانی خود، هنگامی که به یک صورت علمی نایل

1. البته ابن سینا در کتاب «المبدأ و المعاد» با بیانی دشوار، اتحاد عقل، عاقل و معقول را در مورد علم موجودات مجرد و ذات واجب الوجود، نسبت به ذات خودشان ثابت کرده است (ابن سینا، 1363: 6 به بعد)؛ اما در جای‌جای فلسفه او، کسانی که علم را به معنای متحد شدن عالم با معلوم می‌دانند، نقد شده‌اند.

دلالات‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه **699** ♦

می‌شود، آن صورت به دلیل اتحادی که با وجود فرد پیدا می‌کند، در متن هویت و حقیقت او قرار می‌گیرد؛ به طوری که ارزش هر فرد، با معرفت و علم او سنجیده می‌شود. به بیان امیرالمؤمنین علی (ع): قِيمَةُ كُلِّ اِنْسَانٍ مَا يَعْلَمُ؛ یعنی ارزش هر انسان به علم اوست». (پارسا، 1391: 185)

3. معرفی عالم خیال و ظرفیتهای آن در تبیین تنوع نظامهای معنایی

یکی از ظرفیتهای تفکر صدرایی، معرفی و تبیین عالم خیال و بیان تجرد و احکام آن است. آنچه در مواجهه با نظریه گفتمان به عنوان نظام معنایی مشترک بین جمعی از انسانها قابل استفاده است، تفکیک خیال منفصل از خیال متصل و تأثیر آن در تبیین تفاوتهاست.

«همه انسانهای یک جامعه در سیر جوهری خود، شهودهایی حسی دارند که در ذیل آن شهودهای حسی، مفاهیمی شکل یافته‌اند. انسان به واسطه خیال خود، عکسها و صورتهای معنایی را از آن شهودها پدید می‌آورد و در خیال اندوخته می‌سازد؛ اما مجموعه انسانها با اشتراکی که در شناخت و انگیزشها ایجاد می‌کنند، توانایی ایجاد خرده فرهنگهای مختلف را واجد می‌شوند. فرهنگها و خرده فرهنگها، همان سپهرهای معنایی‌اند که در کنش و رفتار عده‌ای از افراد بروز یافته‌اند. حال اگر این سپهرهای معنایی با عقل نیز مطابقت داشته باشند، از نظر فارابی، فرهنگ و جامعه فاضله شکل می‌گیرد و در غیر این صورت، دیگر جوامع غیر فاضله به تناسب شناخت و انگیزه‌ها شکل خواهند گرفت». (فارابی، 1405: 170)

4. تأثیر اراده انسانی در تحولات نظام معنایی

با تکیه بر مبانی نظیر حرکت جوهری و تشکیک وجود و...، نظریه جهان‌های اجتماعی به خوبی قابلیت توصیف و تبیین تغییر و تحولات نظامهای معنایی را دارد. شکل‌گیری هر جهان اجتماعی تازه، در گرو توسعه آگاهی و اراده جدید است که در هر برهه تاریخی توسط افرادی که به آن متصل می‌شوند، حیات می‌یابد. اما این موجود تازه با جهان اجتماعی موجود در تضاد قرار می‌گیرد.

استقرار یک نظام معنایی سبب اضمحلال افراد در صورتی نمی‌شود که از مسیر وجود آنها پا به عرصه تاریخ گذارده‌اند. بنابر این، الزامات معانی و صور تاریخی و تمدنی، منوط و مشروط به توقف افراد در موقف تاریخی آنان است. با عبور انسان از یک نظام معنایی و ورود او به نظامی دیگر، هم نوع نوینی از انسان پدید می‌آید و هم فرهنگ و جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد.

«پیدایش جهان جدید، نیازمند گسترش معرفت و آگاهی و اراده نوین است و جهان موجود ممکن است اجازه بسط آن را ندهد. در این صورت، تضاد و اختلاف معانی به صورت تضاد و ستیز اجتماعی ظاهر می‌شود». (پارسا، 1391: 185)

5. تبیین چگونگی اختیار انسان در مقابل نظامهای معنایی بیرونی

یکی از مهم ترین انتقادات وارد بر نظریه گفتمان، نفی سوژگی و منفعل تصور کردن کنشگر در برابر وجود جمعی است. اما در نظریه جهان اجتماعی اگرچه این نظام معنایی، اتحاد وجودی با انسانهای دل سپرده برقرار می کند، اما به نفی اختیار انسان منجر نمی شود. این نظام معنایی، روح و جهان واحد برای همه نفسهایی است که با آن اتحاد پیدا کرده اند، اما افراد انسانی صرفاً در استخدام آن اند.

«سپهر معنایی همان جامعه ای است که وجودی مغایر افراد انسانی ندارد و ترکیبی اتحادی با انسانها برقرار می کند. انسانها نیز در حکم ماده ای هستند که از طریق معرفت و عمل با این سپهر معنایی وحدت می یابند. البته این سپهرهای معنایی، برخوردار از وجودی مجرد و روحانی هستند که در این افق، اتحاد انسانها را شکل می دهند. در چنین اتحادی، افراد اختیار خود را از دست نداده اند، بلکه در ذیل این سپهر معنایی و در استخدام آن فعال اند. این نکته با اختیار انسان و عاملیت او در تنافی نیست؛ زیرا افراد انسانی پس از اتحاد با سپهر معنایی، مضمحل و نابود نمی شوند، بلکه امکان بازگشت و اعراض از آن صور را دارند.» (پارسا، 1391: 119-117)

6. توصیف حقیقت عالم معنا و روابط بین معانی

چون برای معنا در این نظریه، حقیقتی در نظر گرفته شده که دیگر صرفاً بر ساخته نیست؛ در ساحت عالم معنا بین خود این معانی مختلف، انواع روابط قابل تصور و مطالعه است. این روابط می تواند موضوع بررسی علمی و مطالعه ای جداگانه باشد. معانی مختلف با وجود اختلاف و تغایری که دارند، به طور کامل بیگانه و گسسته از یکدیگر نیستند. نحوه ارتباط و پیوند آنها نیز یکسان و مشابه نیست؛ برخی از آنها ملازم یکدیگرند و بعضی تضاد یا تناقض یا تنافی دارند. برخی هم جمع می شوند.

البته در مطالعه روابط معانی، باید بین لوازم خود معنا و لوازم وجود و تحقق آن در این مرحله دقت کرد. همچنین باید بین روابطی که لازمه نوع خاصی از وجودند و معانی ای که محدودیتی از این سنخ ندارند، تفاوت قائل شد (رک: همان: 135). اما رسمیت بخشیدن به تجرد و استقلال معانی و قابلیت مطالعه آن، از ظرفیتهای این نظریه است. تبعات پذیرش این تلقی از معنا را در مرحله بازسازی توضیح خواهیم داد.

معانی یاد شده فقط در مرتبه ذات معانی نیستند؛ بلکه روابط معانی به اعتبار وجود آنها در دو قلمرو دیگر هم باید مطالعه شود. هم در مرحله وجود ذهنی فرد و هم، در هویت بین الذهانی و اجتماعی آنها. اگر چه دانش اجتماعی رسالت مطالعه این معانی در جهان اجتماعی را برعهده دارد، اما بی نیاز از توجه به مرتبه ذات معنا و استفاده از آن برای تکمیل مطالعه خود نیست.

دلالات‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه ♦ 701

«معانی در جهان اجتماعی، وجودی مستقل از وجود انسانی ندارند و آثار عینی و خارجی آنها به واسطه حضوری است که در عرصه آگاهی و اراده انسانی پیدا می‌کنند. یک آرمان تا قبل از آنکه در معرض آگاهی انسانی قرار گیرد، احکام و لوازم منطقی خود را دارد. مثلاً عدالت، آرمانی است که به حسب ذات خود با معنای ظلم سازگار نیست و ملازم با مفهوم حقیقت و یا فضیلت است. این مفهوم اگر در جهان عینی و تکوینی تحقق داشته باشد، گونه خاصی از مناسبات و روابط را در بین اجزای جهان به دنبال می‌آورد. عدالت هنگامی که به عرصه آگاهی و عمل فرد وارد می‌شود، در یک فرایند تاریخی، مجموعه منظم و پیوسته‌ای از فضایل را رقم می‌زند. علم اخلاق به کاوش پیرامون این مجموعه می‌پردازد. عدالت هنگامی که از طریق فرد به قلمرو زندگی اجتماعی وارد می‌شود، مجموعه‌ای از سازمانها، نهادها، مناسبات و روابط را به همراه خود می‌آورد و بسیاری از واقعیتهای ظالمانه‌ای را که در جهان اجتماعی می‌توانند تحقق داشته باشند، از بین می‌برد.» (پارسایا، 1391)

7. تبیین فطرت و هویت مستقل فرد

بر خلاف دیدگاه لاکلا و موفه که هویت را پدیده‌ای تاریخی و ساخته و پرداخته گفتمان می‌دانند، نظریه جهان اجتماعی، هویت او را به ساختار اجتماعی تقلیل نمی‌دهد؛ زیرا وقتی هویت انسان محصول کار و اراده او باشد، دیگر صحبت از ارزش، آرمان یا حقیقتی که فراسوی انسان باشد، ناممکن می‌شود.

از تبعات دیدگاه برساخته و تاریخی بودن هویت، نبود ملاک و میزان برای داوری بین جهان‌هاست. در نتیجه، این جهان‌های مختلف، واحدهای فرهنگی و تمدنی مستقل از یکدیگرند که نسبت به هم، قیاس‌ناپذیر و غیر قابل داوری‌اند. اما در نگاه انسان‌شناسی اسلامی، نسبت انسان با همه جهان‌ها یکسان نیست. او اگر چه با معانی مختلف در عرصه اجتماعی متحد می‌شود؛ اما اولاً، همه این معانی بافته‌های انسانی نیستند و ثانیاً، گرایش وجودی انسان نسبت به همه معانی یکسان نیست.

انگاره فطرت در این دیدگاه متقدم بر ارتباط انسان با پدیده‌های تاریخی است و انسان پیش از آنکه با موجودات ارتباط داشته باشد، با خداوند ارتباط دارد که هستی نامحدود و از خود انسان به او نزدیک‌تر است. «انسان برخی از مفاهیم و معانی و برخی از گرایشها و تمایلات را از طریق این ارتباط که ارتباطی بی‌تکیف و بی‌قیاس با رب‌الارباب است، به دست می‌آورد. این دسته از معانی که از ارتباط مستقیم همه انسانها با خداوند واحد حاصل می‌شود، سرمایه مشترک بشری است که هم امکان تعامل و گفت‌وگوی انسانها را با خدا، صرف نظر از اینکه در کدام جهان زندگی می‌کنند، فراهم می‌آورد و هم ظرفیت تصور آرمانها و ارزشهایی را به وجود می‌آورد که آدمی را به سوی جهان معنوی و قدسی راه می‌برد. جهانی که انسان به حسب ذات و حقیقت خود متعلق به آن است.» (پارسایا، 1391: 175)

(و) بحث و نتیجه گیری: بازسازی نظریه لاکلا و موفه

همان‌طور که ملاحظه شد، از نظریه گفتمان لاکلا و موفه به دلیل استفاده و ترکیب دیدگاههای مختلف و متنوع و تولید چارچوبی منعطف برای تحلیل امر اجتماعی، به سرعت استقبال شد. اگر چه ایجاد ارتباط بین حوزه‌های زبان‌شناسی و فلسفی با مطالعات اجتماعی و سیاسی، نقطه قوت این نظریه محسوب می‌شود و تصویری که از جامعه و مناسبات آن در قالب گفتمان ارائه می‌دهد مزیت قابل توجهی است؛ اما نسبی‌گرایی افراطی، نفی سوژگی و... این نظریه را آسیب‌پذیر کرده است.

از سوی دیگر، جهان اجتماعی مبتنی بر استدلالها و مبانی صدرایی مذکور، نظام معنایی و برساخته توسط اراده انسانهاست که اگرچه ماهیتی اعتباری دارند، اما پذیرش تکثر جهان‌ها در آن منجر به نسبیست معرفت و حقیقت نمی‌شود و وجود فطرت و لحاظ اختیار برای انسان، به این نظریه قابلیت‌های مضاعفی می‌بخشد.

اگر گفتمان در نظریه لاکلا و موفه یک نظام معنایی است که دالهایی حول یک دال مرکزی، مفصل‌بندی شده و از طریق فرایندهایی نظام اجتماعی را معنادار می‌سازد و هویت را شکل می‌دهد، جهان اجتماعی در دیدگاه پارسانیا هم یک نظام و شبکه از معانی است که این معانی در سلسله‌مراتب و نظام لایه‌لایه‌ای خود، بر معانی و لایه‌های بنیادین تکیه دارند. بر این اساس، از یک‌سو تحلیل گفتمان، تجربیات انضمامی خود در مطالعه نظام‌های معنایی اجتماعی را در خدمت توسعه نظریه جهان‌های اجتماعی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، نظریه جهان‌های اجتماعی اشتباهات معرفتی و نقایص فلسفی نظریه گفتمان را بازسازی می‌کند.

این مشابهت‌ها موجب می‌شود تا بتوان گفتگویی بین دو نظریه تصور کرد. در این گفتگو، نقاط ضعف نظریه لاکلا و موفه جواب خود را پیدا می‌کند. در این گفتگو هر کدام از دلالت‌های استخراج شده، ظرفیتی را به منظور بازسازی نظریه گفتمان فراهم می‌کنند. از توصیف رابطه انسان و معنا به کمک مفهوم اتحاد می‌توان تبیینی وجودی از رابطه انسان و گفتمان در معنای جهان اجتماعی ارائه کرد. به دلیل شناسایی عالم خیال و تفکیک خیال متصل از منفصل، تنوع و تکثر حاکم بر گفتمانها در عین پابندی به وجود حقیقتی واحد به خوبی توصیف می‌شود. نمونه موفقی از این تبیین را در توصیف فارابی از مدینه فاضله که مطابق عقل و سایر انواع اجتماعات است، ملاحظه کردیم.

ماهیت اعتباری جهان اجتماعی و نقش اراده انسانی در اعتبار آن، تبیینی دقیق و فلسفی از مراحل تشکیل و تغییر و مرگ گفتمانها ارائه می‌دهد. تبیین اختیار انسان در دستگاه فلسفی صدرایی، در عین تأثیرپذیری از عوامل محیطی، به رفع نقیصه نفی سوژگی کمک شایانی می‌کند. تبیین روابط حقیقی میان معانی، امکان مطالعه و نقد و بررسی رابطه بین معانی را فراهم کرده و از همه دلالتها برجسته‌تر، اندیشه فطرت و تبیین هویتی الهی برای انسان، نقش برجسته و فوق‌العاده‌ی به فرد در تغییر و تحول گفتمانها می‌بخشد. با توجه به اثبات سرمایه مشترک انسانی ذیل عنوان فطرت، امکان داوری و قیاس بین جهان‌ها ممکن می‌شود. در این مرحله،

703 **دلالات‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل‌گفتمان لاکلا و موفه**

استفاده از روش‌های برهانی و استدلالی در نقد و بررسی گفتمانها معنا پیدا می‌کند و این نظریه در هر سه ساحت تبیین، تفسیر و نقد، ظرفیتهای تازه‌ای را در اختیار تحلیلگر گفتمان قرار می‌دهد.

تأثیر دلالتها در بازسازی نظریه گفتمان	دلالات‌های مستخرج از نظریه جهان اجتماعی
تبیین وجود شناختی رابطه انسان و گفتمان	توصیف اتحادی رابطه انسان و معنا
تبیین چگونگی تکثر گفتمانها در عین عدم نسیت حقیقت	تأثیر تفکیک خیال منفصل و متصل در فهم تنوعات نظامهای معنایی
توصیف چگونگی ایجاد و تضاد و نابودی گفتمانها	تأثیر اراده انسانی در شکل‌گیری نظام معنایی
رد دیدگاه منفی به سوژه و دفاع از اختیار انسان در مقابل گفتمانها	تبیین چگونگی اختیار انسان در مقابل نظامهای معنایی بیرونی
تبیین ماهیت و لوازم و مناسبات بین معانی در گفتمانها	توصیف حقیقت عالم معنا و روابط بین معانی
تبیین نقش فرد در تغییر و تحول گفتمانها مبتنی بر فطرت	تبیین فطرت و هویت مستقل فرد

پیشنهادها

از آنجاکه نظریه لاکلا و موفه همواره از نظر عدم ارائه ابزار، مورد انتقاد پژوهشگران بوده و در تحقیقات مختلف انواع راهها نظیر پیوند با سایر نظریات گفتمان برای رفع این نقیصه پیشنهاد شده است؛ برای رسیدن به تبیین‌هایی از نظریه گفتمان بومی، باید مطالعات مشابهی بین نظریه جهان‌های اجتماعی و سایر نظریات گفتمان نظیر نظریه گفتمان فرکلاف، هالیدی، نظریه روان‌شناسی گفتمان و... انجام شود و با تکمیل نقایص تحقیق حاضر در قالب یک نظریه-روش بومی برای مطالعات علوم اجتماعی اسلامی ارائه شود.

از سوی دیگر در این تحقیق به خوبی ملاحظه شد که نظریه جهان اجتماعی مطرح شده از سوی پارسائیا قابلیت توسعه و کاربردی شدن را داراست. این ویژگی موجب می‌شود تا بحثهای ناظر بر علوم اجتماعی اسلامی از دایره مسائل فلسفی و نظری صرف خارج شود و به عنوان یک دانش کاربردی در خدمت جامعه علمی قرار گیرد.

در این رویکرد، نظریه جهان اجتماعی به خوبی تبیین می‌کند که معانی در ذات خود و در جهان اول مستقر و ثابت‌اند و روشهای برهانی و تحلیلی، مناسب مطالعه این ساحت از معنایند. روشهای پدیدارشناسانه اگر به معناشناسی تعبیر شوند، در اینجا ظرفیتهای خوبی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند و آرای متفکرانی نظیر هوسرل و فرگه در گفتگوی متقابل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

اما در جهان دوم و سوم که معانی در حاشیه عمل انسان مطرح می‌شوند و معنا همیشه حالت انضمامی پیدا می‌کند و تضادهای متعدد بروز و ظهور می‌یابد؛ برای شناخت این وجه از جهان اجتماعی، مطالعات تجربی و میدانی موضوعیت پیدا می‌کند. به خصوص که به رصد لحظه به لحظه این تحولات نیازمندیم. با این وصف، رابطه بین مطالعات تجربی و مطالعات تحلیلی و روش‌شناسی مطالعه واقعیت اجتماعی و جهان اجتماعی مبتنی بر حکمت صدرایی منطق و روش‌مندی خود را پیدا می‌کند که نیازمند تحقیقات و شرح و بسطی خارج از این نوشتار است.



منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (1363). المبدأ و المعاد. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- اخوان کاظمی، بهرام (1391). «نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلا و کاربرد آن در سیاست». سیاست، ش 4.
- پارسانیا، حمید (1391). جهان‌های اجتماعی. تهران: کتاب فردا.
- پارسانیا، حمید و مهدی سلطانی (1390). «بازخوانی جهان‌های اجتماعی جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه». معرفت فرهنگی اجتماعی، ش 9.
- پرهیزکار، غلامرضا (1397). «بازسازی نظریه گفتمانی هویت لاکلا و موفه بر اساس نظریه فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی». اسلام و علوم اجتماعی، ش 18.
- حسن‌زاده آملی، حسن (1375). نصوص الحکم بر فصوص الحکم. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (1383). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی». مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ش 28.
- دانایی‌فرد، حسن (1395). «روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیانه، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا». روش‌شناسی علوم انسانی، ش 86.
- سلطانی، سید علی اصغر (1383). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش». علوم سیاسی، دوره هفتم، ش 28.
- سلطانی، سید علی اصغر (1384). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (1410 ق). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث، چ چهارم.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (1360). الشواهد الربوبیه. تعلیق، تصحیح و مقدمه سید جلال‌الدین آشتیانی. مشهد: مرکز نشر دانشگاهی، چ دوم.
- طباطبائی، محمدحسین (1389). اصول فلسفه و روش رئالیسم. در: مجموعه آثار، ج 6. مرتضی مطهری. تهران: صدرا.
- فارابی ابونصر محمد (1405 ق). فصوص الحکم. تصحیح و تعلیق: محمدحسن آل یاسین. قم: بیدار.
- قجری، حسینعلی (1392). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان
- کسرای، محمدسالار (1388). نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی فصلنامه سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره 39، شماره 3
- کلاتری، عبدالحسین (1391). گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی. تهران: جامعه‌شناسان
- لاکلا، ارنستو و شانتال موفه (1393). هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال. ترجمه محمد رضایی. تهران: ثالث.

705 ♦ دلالت‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

- مقدمه‌ای، محمدتقی (1390). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن». معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، ش 2.
- مک‌دائل دایان (1380). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- میلز، سارا (1393). گفتمان. ترجمه فتاح محمدی. کاربر هزاره سوم.
- یورگنسن، ماریان (1389). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- Hornby, A.S. (2010). *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. Joanna Turnbull and Diana Lea (Eds).
- Akhavan Kazemi, Bahram (2012). "Critical Discourse Analysis and Evaluation of Laclau and its Application in Policy". *Political Quarterly*, Vol. 42, Issue 4: 1-20.
- Danaeifard, Hasan (2016). "Methodology of Implication research in Social Sciences and Human Sciences: Foundations, Definitions, Importance, Approaches and Steps of Implementation". *Methodology of Social Sciences and Humanities*, No. 86.
- Farabi, Abu Nasr (1405). *Al-Fusush al-Hikam*. Correction and Suspension: Mohammad Hassan Al Yasin, Qom, Awakening
- Hasanzadeh Amoli, Hassan (1996). *Nusous al-Hikam on Fusus al-Hakam*. Tehran: Raja Cultural Publishing Center.
- Hoseini Zadeh, Seyyed Mohammad Ali (2004). "Discourse Theory and Political Analysis". *Political Science Journal - Baqerul-ulum University (AS)*. Issue 28.
- Ibn Sina, Hussein ibn Abdullah (1984). *Al-Mobeda and al-Mā'ad*. Tehran: Islamic Studies Institute.
- Jorgensen, Marian (2010). *Theory and Method in the Analysis of the Discourse*. Translator: Hadi Jalili. Tehran: Nashr Ney.
- Kalantari, Abdolhossein (2012). *Discourse from Three Linguistic, Philosophical and Sociological Perspectives*. Tehran: Sociologists.
- Kasraee, Mohammad Salar (2009). "Theory of Laclau and Mouffe's Discourse; a practical way to Analyze and clarify political issues". *policy quarterly – law and political sciences faculty magazine*, N:3.
- Laclau, Ernesto & Chantal Mouffe (2014). *Hegemony and a Socialist Strategy toward Radical Democratic Politics*. Translator Mohammad Rezaie. Tehran: Saless Publications.
- McDonnell, Dayan (2001). *Introduction to Translator Discourse Theories*. Hossein Ali Nozari. Tehran: Culture of Discourse.
- Mills, Sarah (2014). *Discourse*. Translator: Fatah Mohammadi., User of the Third Millennium
- Moghaddami, Mohammad Taghi (2011). "Theory of Laclau and Mouffe's Discourse Analysis and its Critical". *Cultural Social Knowledge*, Issue 2.

- Parhizkar, Gholamreza (2018). "**Reconstructing Laclau and Mouffe's Discourse Theory of Identity Based on Ayatollah Shahabadi's Theory of Fitrat**". *Islam and Social Sciences*, Vol. 9, Issue 18: 53-76.
- Parsania Hamid (2012).**Social Worlds**. Tehran: Tomorrow Book.
- Parsaniya, Hamid& Mehdi Soltani (2011)."**Rereading of Social Worlds of Phenomenological Sociology Based on Transcendent Philosophy**".*Ma'rifat-i Farhangi Ejtemaii*, Issue 1.
- Qajari, Hossainali (2013).**Application of Discourse Analysis in Social Research**. Tehran:Sociologists.
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammed ibn Ibrahim (1410).**Al- Hikmat Al Muta'alyahfi-l-asfar al-'aqliyya al-arba'a**. Beirut: Dar al-Hayat Al-Tarath,Fourth Edition.
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammed ibn Ibrahim (1981). **Al-Shawahid al-rububiyah**. Suspension, Correction and Introduction Seyyed Jalal al-Din al-Ashtiani, Second Edition, Mashhad, Center for Academic Publishing.
- Soltani, Seyed Ali Asghar (2004)."**Discourse Analysis as Theory and Methodology**".*Journal of Political Science*, Vol. 7, No. 28.
- Soltani, Seyed Ali Asghar (2005).**Power, Discourse, and Language: Mechanisms of Power Stream in the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Publishing Ney.
- Tabataba'i, M.H. (2010).**The Principles of Philosophy and the Method of Realism**.In:M. Motahari, *Collection of Works*, N.6. Tehran: Sadra.

